

ماهیت متفاوت دو شعار "ترک خر" و "فارس سگ"

محمدرضا گردیزی

mohammadrg2001@yahoo.com

<http://tedepe.blogspot.com/>

مرتضی نگاهی در سایت-وبلاگ خود، با محکوم کردن تلاشهای فرهنگیان و ادبای ترک برای ایجاد اورتوقرافی فوننتیک ترکی به استهزا می گوید: (اگر آذربایجان را آذربایجان بنویسیم نهضت هارای هارای من تورکم داغون می شود؟ آخر این بازی ها یعنی چه؟). همو مکررا با بزرگنمایی شعار "فارسی دیلی، ایت دیلی" که از جانب تعدادی انگشت شمار از جوانان و نوجوانان پرخاشگر در میان توده میلیونی ترکان متعرض به سیاستهای راسیستی و استعماری جمهوری اسلامی بر زبان آورده شد، این شعار را شعار نفرت زا و نژادی خوانده و تلویحا کل جنبش نوین ملی-دمکراتیک خلق ترک و آذربایجان جنوبی را با این شعار مساوی دانسته و بدین ترتیب ماهیت به آنرا زیر سوال کشیده است. وی در حالی جوانان ترک را متهم به نژادپرستی می کند که خود همواره منکر وجود نژادپرستی در سیاستهای دولت ایران (پهلوی، جمهوری اسلامی) بوده است.

پیش شرط مباحثه با ناخشنودان از رشد جنبش ملی دمکراتیک خلق ترک در ایران (مرتضی نگاهی به وجود مساله ای بنام "مساله ملی" در ایران اعتقاد ندارد و جنبش معاصر را صرفا خواستی برای تدریس زبان ترکی می داند) و ناراضیان از روند خودآگاهی ملی و ملت شدن ترکان آذربایجان جنوبی و ایران (مرتضی نگاهی مخالف وجود ملتی بنام "ترک" بوده و طرفدار سرسخت "تزم-ملت-دولت رضاخانی" و "وجود یک ملت در ایران با نام ملت ایران" است) در باره نهضت "هارای هارای من تورکه" و شعارهای آن، داشتن و نمایش حداقل احترام از سوی آنها به این نهضت انسانی، ملی و دمکراتیک ترکی و آذربایجانی و دوری از لحن استهزا و ادبیات لودگی است. پیش شرطی که در لحن مرتضی نگاهی اثری از آن دیده نمی شود. با اینهمه ضروری است که برای جلوگیری از قلب ماهیت جنبش ملی دمکراتیک ترک در ایران، در باره ماهیت شعار ناشایست مذکور توضیحاتی داده شود.

مقدمه

هر چند هرگونه شعار و خطاب و ایما و جوک ... حاوی تحقیر و استهزا و اهانت و پست شماری و دیگران کاملاً امکان دارد که ناشی از سائقه های نژادپرستانه بوده باشد، اما این به آن معنی نیست که هر تحقیر و استهزا و اهانت و لزوماً دارای ماهیت و انگیزه های نژادپرستانه است. آنچه در اینجا تعیین کننده است، زمینه ای می باشد که آن رفتار (شعار، خطاب، ایما، جوک، ...) در آن به منصفه ظهور رسیده است. شعار "فارسی دیلی، ایت دیلی"، هر چقدر زشت و ناپسند، اما با توجه به زمینه ظهور آن و بر خلاف وارونه نمائی مرتضی نگاهی، دارای ماهیت نژادپرستانه نیست. این شعار، انفجار عصبانی ناپخته بر علیه تز بشدت نژادپرستانه و استعماری "زبان فارسی رکن هویت ملی ایرانیان است" خامنه ای، رهبر نظام جمهوری اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی امنیت ملی و کلیت جمهوری اسلامی ایران و حتی دولت پیش از آن پهلوی است:

جنبش برابری خواهی و ضد استعماری-ضدنژادپرستی خلق ترک در دوره معاصر دارای دو پایه محکم اجتماعی است. پایه دانشجویی که به طور خود جوش جنبش "گله جک بیژمدیر" (آینده از آن ماست) و پایه توده ای آن که به طور خود جوش "هارای هارای من تورکه م" (هارای به معنای ندای امدادخواهی) نام گرفته است. برخی از قومیت‌گرایان فارس از سر تمسخر و ریشخند و یا از سر ناآگاهی و ندانستن زبان ترکی- زبان اصلی مردم و تاریخ هزار و چندین صد سال اخیر ایران- از جنبش ضد نژادپرستی توده ای معاصر ترکان ایران به شکل "هورای هورای من ترکم" نام می برند. آنها با هورای هورای نامیدن جنبش "هارای هارای من تورکه م"، عمق جهالت و سوء نیت و ناراستی با ملت همسایه ترک خود را به نمایش می گذارند.

همچنین عده ای از قومیت‌گرایان افراطی فارس و فارسزدگان ترک، جنبش "هارای هارای من تورکه م"، به عبارت دیگر بزرگترین جنبش ضدراسیستی و ضداستعماری در تاریخ ایران و یا وجه غالب آنرا حرکتی نژادپرستانه و هم عرض نژادپرستی آریائی می خوانند. اشخاصی مانند مرتضی نگاهی نیز آگاهانه با وارونه نمائی، "خر خواندن ترک ها" را که جزئی از سیاستهای استعماری و نژادپرستانه مراکز قدرت فارسی و مخصوصاً ماشین دولتی در ایران است، با "زبان سگ نامیده شدن فارسی" در تظاهرات مردمی آذربایجان که عکس العمل گروههایی کوچک از توده جوان ترک بر علیه این سیاستهای نژادپرستانه و استعماری است یکی می شمارند.

اینکه در ایران صاحبان صفات و یا رفتارهای مذمومی مانند نژادپرستی، دیکتاتوری، تروریسم و تجزیه گری؛ همواره مبارزه کنندگان با نژادپرستی و دیکتاتوری و تروریسم و تجزیه گری را متهم به نژادپرست و دیکتاتور و تروریست و تجزیه طلب بودن می کنند، به لحاظ فلسفی و روانشناختی حقیقتی معلوم است. کافی است به عملکردها و شعارهای دولت فارس جمهوری اسلامی که خود ماهیتاً دولتی نژادپرست، دیکتاتور، تروریست و تجزیه گراست اما با گستاخی همه مخالفان خود را متهم به داشتن این ذهنیات و صفات می کند نگاهی شود. رفتار و عملکرد جناحها و جریانات راسیست و اولتراناسیونالیست فارس خارج از حاکمیت- یعنی نمونه های ایرانیکا و داریوش همایون و بسیاری از تشکیلات فارس موسوم به سراسری و نیز در واقع دنباله و یا عین

همان ذهنیت جمهوری اسلامی فارس‌گرا است. (اساساً استقلال طلبان ملل ساکن در ایران را، بر خلاف ترمینولوژی مرتضی‌نگاهی و دیگر پان‌ایرانیست‌ها، نمی‌توان تجزیه طلب خواند. زیرا تجزیه در شئی ای واحد رخ می‌دهد. حال آنکه ایران کشوری مرکب از ملل متفاوت است و استقلال هر کدام در نهایت می‌تواند به تقسیم ایران و تفکیک این ملل منجر شود، نه تجزیه).

بین دو شعار "ترک خر" و "فارسی زبان سگ است" تفاوت ماهوی وجود دارد:

- خر خواندن ترک‌ها، کنشی دیرینه و مساله‌ای دارای ریشه‌های تاریخی است که آنرا در نمونه‌های بسیاری از آثار نویسندگان و شعرا و نخبگان تاجیک در گذشته و فارس در امروز و همچنین فارس‌زدگان می‌توان مشاهده کرد. اما زبان سگ خواندن فارسی - علی‌رغم انتساب کلمه پارسی به ریشه‌های پارس کردن و پرسه زدن، فارس به کلمه فارس در زبانهای اروپائی به معنی لودگی و دری به دری وری گوئی و ... از سوی برخی از محققان - پدیده‌ای نوظهور و مقطعی بوده دارای ریشه‌های تاریخی نیست و ما به آن در تاریخ و متون و اسناد تاریخی بویژه از سوی فرهنگیان و نخبگان ترک و آذربایجانی بر نمی‌خوریم.

- خر خواندن ترکان از سوی تاجیکان و فارسان - که به مدت هزار و چند صد سال تحت حاکمیت سیاسی و نظامی بلاانقطاع دولتها و خاندانهای تورک قرار داشته‌اند - کاملاً با قومیت و عصبیتهای قومی و نژادی و یا تفاخرات یک قوم و حقیر شمردن قوم دیگر در میان ادبا و نخبگان تاجیک و فارس مرتبط بوده است. این اسناد، نگرش و دیدگاه روشنفکران و ادبا، کاملاً سیستماتیک و ساخته و پرداخته شده توسط آنان و چیزی در ردیف آنتی سمیتیزم و در واقع بخشی از جنبش فکری شعوبیه در تاریخ است. اما سگ خواندن زبان فارسها صرفاً واکنشی احساسی از سوی توده جوانان به تنگ آمده در مقابل این تحقیر تاریخی و بی‌ارتباط با جامعه روشنفکری و نخبگان ترک و آذربایجانی است.

- شعار خر خواندن ترکان، اساس ترک بودن و کل هویت ترکی را هدف قرار داده است. از دیدگاه صاحبان این شعار، ترکیت و ترک بودن، به صرف ترک بودن، وضعیت و کیفیتی حقارت آمیز، مسخره و پست است، قبل از آنکه یک ترک حتی به فعل و عملی دست زده باشد. بنا به این شعار یک ترک، فارغ از آنکه چه بوده و چه کرده، از آلب ارسلان و جلال الدین خوارزمشاه و قازان خان و شاه اسماعیل و نادرشاه و عبدالقادر مراغی و خاقانی و صائب و مولوی و نظامی و سهروردی گرفته تا ستارخان و حیدرخان و مصدق و و بهرنگی و پروین اعتصامی و دهخدا و توللی و هدایت و هشترودی و گوگوش و پسیان و وثوقی و پناهی و میلانی و علی دائی و شاملو و عبادی حتی غلامان حلقه بدوش راسیسم فارسی مانند آخوندزاده و کسروی و ارانی و ملکی و بابک امیرخسروی و صادق خلخالی و محمدرضا پهلوی و فرح دیبا (دو تن آخر نیمه ترک اند) و ... به صرف ترکیت و نیمه ترکیت، همه و همه خر و یا نیمه خرانند.

- در حالیکه سگی خواندن زبان فارسی، متوجه زبان رسمی و دولتی، تحمیلی، استعماری، اشغالگر، قاتل و جانشین فارسی است و نه صرف فارس بودن، و یا ملتی که صاحب این زبان است. به عبارت دیگر این شعار پرخاشی است علیه خصلتهای تحمیلی، استعماری، دولتی، اشغالگر و قاتل و جانشین بودن زبان فارسی در آذربایجان و نه بر علیه قوم فارس و یا حتی کلیت زبان فارسی. آشکار است که اگر زبان فارسی از خصلتهای دولتی، استعماری، تحمیلی، اشغالگر، جانشین و قاتل بودن عاری بود و یا رسمیت و دولتی بودن آن صرفاً محدود به مناطق فارس نشین ایران میبود و یا در ایران مثلاً زبان چینی دارای این صفات مشثوم بود، طبیعتاً انتظار می رفت که این شعار نه در باره زبان فارسی، بلکه در باره زبان چینی داده شود. بنابر این در این شعار، زبان فارسی و یا فارس بودن به ذاته محکوم نشده و آنچه در اصل محکوم شده صفات استعماری، تحمیلی، اشغالگر، قاتل و جانشین بودن یک زبان است. بر خلاف شعار خر بودن ترکان، که ذات ترک بودن را تحقیر کرده است، آنها هم در وضعیتی که ترکان در ایران ملتی حاکم نبوده بلکه ملتی محکوم اند.

- پدیده برتری طلبی قومی و ملی ترکی و دیگرستیزی و غیرستیزی، از جمله پست و خوار شمردن دیگران نه در گذشته و نه در حال حاضر بین فرهیختگان و فرهنگیان ترک و آذربایجانی موجود نبوده و اگر هم باشد نمونه ای استثنائی و نادر است. حال آنکه برتری طلبی فارسی-پارسی-ایرانی-آریائی و دیگرستیزی و غیرستیزی و بویژه پست و خوار شمردن اقوام و ملل همسایه ترک و عرب و لر و بلوچ و افغان و ترکمن میان فرهنگیان و نخبگان فارس یک قاعده عمومی، حتی بخش و رکنی مرکزی از تعریف هویت قومی فارسی است که بر دو پایه دشمنی با ترک و عرب بنیان گذارده شده است.

- در تاریخ معاصر ایران خر خواندن ترکان، رابطه گسست ناپذیری با مراکز قدرت و مشخصاً دستگاههای امنیتی و تبلیغاتی دولت پهلوی و بعدها دولت جمهوری اسلامی ایران و همچنین با اقتدار سیاسی قوم فارس یعنی حفظ تسلط همه جانبه سیاسی و فرهنگی این قوم بر ملت ترک در ایران دارد. و این وجهه یعنی ارتباط آن با مراکز قدرت و مفهوم قدرت است که به آن به معنی امروزی هویت خالص نژادپرستانه می دهد. اما شعار سگی بودن زبان فارسی، هیچ رابطه ای با مفهوم قدرت و مراکز قدرت ندارد و از این جنبه فاقد ماهیت نژادپرستانه به معنی مدرن است. (اساساً ترکان و آذربایجانیان پس از ساقط کرده شدن دولت ترکی -آذربایجانی قاجاری فاقد دولت ملی خویش اند).

- خر خواندن ترکان می تواند با تجربه نژادپرستی عملاً موجود فارسی (نژادپرستی دولتی جمهوری اسلامی و پهلوی، نژادپرستی غیردولتی نخبگان و توده فارس) مربوط شمرده شود اما سگی خواندن زبان فارسی به هیچ وجه نمی تواند با نژادپرستی عملاً موجود ترکی مربوط شمرده شود. زیرا در عمل در ایران نژادپرستی ترکی، نه در سطح دولتی (ترکان ایران فاقد دولت ملی خود اند)، نه در سطح فرهیختگان و توده ترک و آذربایجانی که به لحاظ ملی از متساهلترین ملل مسلمان جهان شمرده می شوند وجود خارجی ندارد. اما بعید است کتابی فارسی بدست گرفت و در آن مطلب و یا اشاره ای صریح و یا تلویحی حاوی بر نژادپرستی فارسی و آریائی مشاهده نکرد.

- خر خواندن ترکان به لحاظ سنن دولتمداری همیشه پتانسیل عملی شدن از سوی فارسها را داراست. فارسان به محض دست یافتن به قدرت سیاسی در اوایل قرن بیست، به سرکوب و نابودی زبان و فرهنگ ترک اقدام نمودند، در حالیکه ترکان در طول هزار و چندین سال حاکمیت خود بر خاورمیانه و قفقاز و در این میان ایران، در جهت عکس عمل کرده به تحبيب و حمایت از زبان و فرهنگ فارسی اقدام نموده اند. در تاریخ معاصر نیز از اولین اقدامات حکومت ملی آذربایجان آزاد ساختن و رسمی نمودن زبانهای اقلیتهای ملی غیر ترک ساکن در آذربایجان جنوبی بوده است، حال آنکه از نخستین اقدامات اولین دولت با هویت فارس در تاریخ یعنی دولت پهلوی و بعدها جمهوری اسلامی، رسمی و دولتی ساختن انحصاری زبان و خط اقلیت قومی فارس به همراه ممنوع کردن زبان ملل غیرفارس و اهتمام بر نابود ساختن آنها بوده است. در حال حاضر نیز، ملی و مشترک نامیدن زبان غیرملی و غیرمشترک فارسی و اجرای آموزش همگانی و پخش برنامه های رسانه های عمومی به زبان استعماری و تحمیلی فارسی در آذربایجان ترک، معنی ای جز اجرائی کردن گستاخانه شعار "ترک خر است" و یا استعمار ترکان و خر شمردن و خر کردن آنها ندارد.

- حقیقت کنشی بودن خر خوانده شدن ترکها و واکنشی بودن سگی نامیده شدن زبان فارسی، نکته ای بسیار مهم است زیرا تفاوت ماهوی این دو را نشان می دهد. زبان و فرهنگ فارسی در ایران از سوی ترکان و زبان و فرهنگ ترکی در معرض هیچگونه تهاجم و خطری نیست. هیچ ترکی در صدد ممنوع کردن زبان فارسی برای فارسان و در فارستان و یا تغییر زبان فارسزبانها از فارسی به ترکی بر نیامده و یا زبان ملی و مشترک فارسها نخوانده است. اما زبان و فرهنگ ترکی از سوی فارسان و زبان و فرهنگ فارسی در معرض تهاجم و خطری جدی است. علاوه بر دولت جمهوری اسلامی، همه اقشار و لایه های جامعه فارس مستقیم و یا غیرمستقیم مصمم به ممنوع نگاهداشتن زبان ترکی و تغییر زبان ترکان و آذربایجان به زبان فارسی اند و گستاخانه زبان فارسی را زبان ملی و مشترک ترکان و آذربایجانیان می خوانند و انجام این همه را نیز وظیفه ملی و میهنی خود می شمارند. بنابراین راسیستی نامیدن شعار ترک خر، توصیفی فوق العاده دقیق بوده، حقانیت و مبنای کاملاً عینی دارد، اما راسیستی نامیده شدن شعار سگی بودن زبان فارسی حقانیت و مبنای عینی ندارد و نامگذاری و توصیفی مهمل و بی پایه است.

- هنگامی که تضییق حقوق یک گروه و یا انکار و امحاء خود آن گروه از طرف گروهی دیگر و یا دولتی غیرقابل تحمل گردد، در شرایط مشخص عینی این امر می تواند به کشمکش آشکار بین محکوم و حاکم و به خشونت و تخریب متقابل و به عبارت دیگر جنگ و مبارزه کشانده شود. و البته در این مرحله نه تنها طرف حاکم، بلکه هر دو طرف حاکم و محکوم به تخریب و نابودی یکدیگر می پردازند، با اینهمه وجود تخریب و نابودسازی از جانب طرفین، ماهیت انگیزه ها و بویژه اقدامات ظاهراً مشابه دو طرف را یکی نمی کند. به عنوان مثال پس از اشغال سرزمینی توسط دولتی خارجی، اگر مقاومتی شکل گرفته و شرایط مشخصی وجود داشته باشد، این وضعیت معمولاً به جنگی که در آن هر دو طرف به خشونت و نابودی و تخریب دیگری می پردازد منجر می شود. اما این دو تخریب و خشونت، متفاوت از یک دیگرند، یکی آغازگر، دیگری پاسخ دهنده است؛ یکی کنش، دیگری واکنش

است؛ یکی ناشی از اشغال و دیگری جوابی هرچند ناشایست اما از سر استیصال به اشغال است. طبیعی است که در این حالت موضع تخریبی هر دو طرف را اشغالگری خواندن بلاهت محض خواهد بود. مانند دو شعار تخریبی ترک خر و فارسی سگی که یکی از موضع نژادپرستانه، اما دیگری پاسخی ناشایست به آن است.

- وضعیت زبان فارسی تحمیلی در ایران به جهاتی مشابه وضعیت حجاب اسلامی-چادر تحمیلی در این کشور است. چادر و حجاب به نادرستی موسوم به اسلامی نیز مانند زبان فارسی منشاء ایرانی داشته مربوط به سنن و هویت ملی قوم فارس است و نیز مانند آن توسط دولت جمهوری اسلامی بر مردم ایران تحمیل شده است. در این شرایط ناخشنودی زنان ایرانی از حجاب دولتی و رسمی امری بسیار طبیعی حتی مشروع است که در بسیاری موارد به نفرت از آن در میان زنان ایرانی منجر شده است. اما هرگز نمی توان این نفرت از حجاب اسلامی و چادر دولتی تحمیلی را با نفرت از بی حجابی و تحمیل چادر از سوی دولت جمهوری اسلامی یکی دانست و در یک کفه گذارد. نفرت از بی حجابی و تحمیل چادر از سوی دولت جمهوری اسلامی بر زنان، ناشی از پست و خوار شمردن زنان، نفرت از آزادی و نقض آشکار حقوق بشر است، اما نفرت زنان از حجاب اسلامی و چادر دولتی، عکس العملی در برابر این تحمیل دولت بنیادگراست. عینا ناخشنودی از زبان فارسی دولتی و تحمیلی در مواردی به نفرت از این زبان در میان ترکان ایران منجر شده و شعار سگی شمردن زبان فارسی صرفا نمودی از این نفرت عکس العملی است. با اینهمه نفرت مردم ترک از زبان تحمیلی و استعماری فارسی به هیچ وجه قابل مقایسه با نفرت دولت جمهوری اسلامی ایران و قومیتگرایان فارس از زبان و فرهنگ ترکی و تحمیل زبان فارسی بر ترکان نیست. زیرا نفرت قومیتگرایان فارس از زبان ترکی و تحمیل دولتی زبان فارسی ناشی از ذهنیتی استعماری و نژادپرستانه و نقض آشکار حقوق بشر است اما نفرت مردم ترک از زبان فارسی تحمیلی و قاتل، عکس العملی خودجوش به ذهنیت استعماری و نژادپرستانه جمهوری اسلامی است.

- در سده اخیر در ایران تخریبیات و تهاجمی رسمی و همه جانبه از سوی دولت و نخبگان فارس بر علیه ملت ترک و هویت و زبان و فرهنگ آن، با انگیزه های نژادپرستانه و استعماری آغاز شده است. این تهاجم اخیرا به انفجار مقاومتی در میان ترکان ایران منجر گردیده که کم کم به سوی تعارض آشکار در حال حرکت است. در مرحله تعارض آشکار، البته که اینبار نه تنها طرف ترک، بلکه قوم و دولت فارسی نیز در معرض تخریبیات قرار خواهند گرفت، این طبیعت هر گونه جنگ و مجادله است. شعار سگی بودن زبان فارسی صرفا یکی از این تخریبیات است. میتوان در کارائی ویا ناکارآمدی و صواب و ناصواب بودن آن بحث کرد و حتی از این منظر آنرا محکوم نمود؛ اما نمی توان ماهیت آنرا که واکنشی مردمی بر علیه استعمار و نژادپرستی فارسی است قلب کرد و آنرا در ردیف خر خواندن ترکان از طرف فارسها که زائیده و جزئی از سیستم استعماری و نژادپرستی دولتی فارسی است یکی شمرد.

مخلص کلام

شعار خر نامیدن ترکان با توجه به سابقه تاریخی آن، سیستماتیزه بودن آن، اجرائی بودن و اجرا شدن آن، کنشی بودن آن، گستردگی و همگانی بودن آن در میان فارسان، رابطه آن با مراکز قدرت و مفهوم قدرت، ساخته و پرداخته شدن از سوی نخبگان و روشنفکران فارس، ماهیتی نژادپرستانه دارد. اما شعار سگی بودن زبان فارسی، با توجه به نبود پرونده ای تاریخی برای آن، سیستماتیزه نبودن آن، منفرد بودن آن، احساسی بودن آن، واکنشی بودن آن و نداشتن رابطه با مراکز قدرت و مفهوم قدرت، اجرائی نشدن آن توسط دول تورک در ایران و عدم ایجاد آن توسط نخبگان و روشنفکران ترک، ماهیت نژادپرستانه ندارد و مساله فرهنگی-سیاسی صرف است. مانند آنتی سمیتیزم جهانی که ماهیت نژادپرستانه دارد اما واکنشهای گوناگون یهودیان به آنتی سمیتیزم و حتی مشکل اسرائیل با اعراب ماهیت نژادپرستانه نداشته و صرفا مساله ای سیاسی-فرهنگی (ناشی از اشغال، نقض حقوق بشر، نظامیگری، توسعه طلبی ارضی، ذهنیت خاورمیانه ای، ...) است.

البته نگارش این سطور به معنی دفاع از صحت شعار سگی بودن زبان فارسی نیست. اساسا به این دلیل که هر دو شعار خر نامیدن ترکان و سگی نامیدن زبان فارسی، ریشه در عقب ماندگی فرهنگی و بی حرمتی به حیوانات دارند. اما به همه حال شعار ترک خر ماهیت آشکار راسیستی دارد، اما شعار فارس سگ دارای ماهیت سیاسی صرف و غیرراسیستی است. نژادپرستانه نامیدن بیجای هر رفتار ناهنجار، به لوث کردن مبارزه ضد نژادپرستی فارسی در ایران می انجامد.

کسانی مانند مرتضی نگاهی که ادعا می کنند مخالف شعارهای نفرت زا و نژادپرستانه اند، به جای یکی نمودن ماهیت دو شعار تخریبی و ناشایست اما کاملا متفاوت خر بودن ترکان و سگی بودن زبان فارسی- که یکی (خر خواندن ترکان) کنشی نژادپرستانه، دولتی، سیستماتیک و روشنفکرانه است و دیگری (سگی نامیدن زبان فارسی) واکنشی سیاسی-غیرنژادپرستانه، مردمی، منفرد و عوامانه است- میباید مسبب اصلی و آغاز کننده کشمکش ملی در ایران بین ترکان و فارسها یعنی نژادپرستی دولت، مقامات و نهادها و نخبگان فارس را که اکنون قریب یکصد سال است دولت و جامعه ایران را به سیطره خود در آورده شناخته، افشا و محکوم نمایند؛ و یا لااقل متوجه آن شوند و اندکی در باره آن تمعق کرده، قلم زنند. و الا محکوم نمودن قربانی به جای ظالم و آشفته کردن اذهان در مصادیق واقعی نژادپرستی در ایران، تنها به تبدیل ناخشنودی عظیمی که از زبان فارسی در میان توده جوان ترک موجود است، و شعار سگی بودن زبان فارسی تنها یکی از مردمی ترین آنهاست، به نفرت از هر چه رنگ و بوی فارسی دارد منجر خواهد شد و البته در هر جنگ و تخریب تمام عیار، تر و خشک همه باهم خواهد سوخت.